



بررسی اسناد تاریخی موقوفات دولت شیعی قطب شاهیان در هند

پدیدآورده (ها) : رجب نژاد، محمد رضا؛ جان احمدی، فاطمه
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: تابستان 1391 - شماره 86 (علمی-پژوهشی)
از 6 تا 23

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1027872>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 01/06/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

■ بررسی اسناد تاریخی موقوفات دولتی شیعی

قطب شاهیان در هند

محمد رضا رجب‌نژاد | قاطمه جان احمدی

■ چکیده

هدف: هدف از این پژوهش بررسی اسناد تاریخی و نقش دولت شیعی قطب شاهیان هند در تاریخ اسلامی هند است. روش/رویکرد پژوهش: در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی بر پایه منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد تاریخی و نسخه‌های خطی دو مرکز مهم در هند، سعی در پاسخ به سوالات پژوهش گردیده است. یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد که با ظهور و گسترش اسلام در هند، مسیر تاریخ هند، دستخوش تحولات بنیادی شد. فتوحات سپاهیان مسلمان به هند و به دنبال آن مسافرت و مهاجرت عالمان و دانشمندان اسلامی به هند، زمینه آشنایی هندیان با مبانی اسلامی را فراهم نمود و دین اسلام هم به عنوان یک قدرت نظامی و هم یک مذهب مترقی به هند راه یافت. از زمان سلطان قطب‌الدین ایبک در سال ۶۰۲ ق. / ۱۱۸۱ م. تا پایان کار بهادرشاه ظفر در سال ۱۲۷۴ ق. / ۱۸۵۳ م. حضور شیعیان و شخصیت‌های تأثیرگذار و برجسته شیعی بسیار چشمگیر است. امروز آثار به جا مانده از موقوفات شیعی دولت قطب شاهیان از اهمیت بالایی برخوردار است و جهانگردان و تاریخ نگاران که به هند عزیمت می‌کنند به شوق دیدار این اماکن موقوفه روی آوردند. برخی از این آثار موقوفه جزو آثار ملی از سوی دولت هند به حساب آمده است.

کلیدواژه‌ها

دولت شیعی هند/ قطب شاهیان/ اسناد تاریخی/ موقوفات شیعی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و دوم، دفتر دوم، (تابستان ۱۳۹۱)، ۲۳- ۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۹ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۲۷

بررسی اسناد تاریخی موقوفات دولت شیعی قطب شاهیان در هند

محمدرضا رجب‌نژاد^۱ | فاطمه جان‌احمدی^۲

مقدمه

منطقه گلکنده، روزگاری پایتخت شیعیان بود و امروز از آن، به ایالت آندراپرادش با مرکزیت حیدرآباد یاد می‌شود. این ایالت، بر فراز فلات دکن در جنوب شرقی هند واقع شده است و حدود پنج میلیون نفر جمعیت دارد. این شهر پنجمین ایالت بزرگ هند به شمار می‌آید. این منطقه، از جهات تأثیرات سیاسی، فرهنگی، تاریخی، علمی، و اقتصادی در تمام هند نقش مهمی دارد. روزگاری در این منطقه، سه سلسله شیعی سلاطین بهمنی، قطب‌شاهی، و آصف‌جاهی حکومت می‌کردند. ظهور این سلسله‌ها، مقارن با حضور انگلیسی‌ها در شبه قاره هند بود.

بررسی اسناد تاریخی شکل‌گیری دولت شیعی قطب‌شاهیان نشان می‌دهد که پس از انقراض حکومت قراقویونلوها از سوی آق‌قویونلوها، یکی از شاهزادگان قراقویونلو به نام «قلی» به دکن - جنوب هندوستان - عزیمت کرد و وارد حکومت بهمنیان شد. وی، در آنجا، مراحل رشد و ترقی را طی کرد، تا اینکه از سوی بهمنیان، به حکومت گلکنده منصوب شد و در ۹۲۶ ق. / ۱۵۰۵ م. مقارن با ضعف شدید حکومت بهمنیان، اعلام استقلال و حکومت قطب‌شاهیان را تأسیس کرد. وی، پس از اعلام استقلال، مذهب شیعه را در قلمرو خود رسمیت بخشید. در حقیقت، قطب‌شاهیان، در جنوب هند؛ و شاه اسماعیل، در ایران، مذهب شیعه را مذهب رسمی اعلام کردند. از این رو، سلطان‌قلی قطب‌شاه، نام حاکمان صفوی را در خطبه، بر نام خود مقدم کرد.

۱. استادیار گروه تاریخ پزشکی موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی تهران
Dr.Rajabnejad@Quranmed.com
۲. دانشیار تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء
janahmad2004@yahoo.com



تشیع در دوران حاکمیت قطب‌شاهیان، دارای چند مرحله متفاوت است:

الف: حاکمان قطب‌شاه، با ایجاد بناهای مذهبی و اعلام شعائر تشیع، تا حدی، مذهب شیعه را در جنوب هند، یعنی دکن، گسترش دادند. با ورود میرمحمد مؤمن استرآبادی در ۹۹۷ق. ۱۵۷۶م. به دستگاه حکومت قطب‌شاهیان، مرحله شکوفایی تشیع در دوره حکومت قطب‌شاهیان آغاز شد.

ب: با حمله شاه جهان در ۱۰۵۴ق. ۱۶۳۳ به حیدرآباد، مذهب تشیع در این منطقه، رو به افول نهاد و در نهایت، در ۱۱۰۶ق. ۱۶۸۵ با تصرف گلکنده و حیدرآباد از سوی اورنگ‌زیب، حکومت قطب‌شاهیان، پس از حدود ۱۸۰ سال حاکمیت منقرض شد. اما تشیعی که آنان در این منطقه رواج دادند، همچنان در آنجا پایدار ماند.

در این پژوهش، با توجه به این فرضیه که «ایرانیان مهاجر به هند، در دوره قطب‌شاهیان، در گسترش اسلام و تشیع و تحکیم دولت شیعی، تأثیر بسزایی داشته‌اند» به این سؤال‌های اصلی و فرعی پاسخ داده شده است:

۱. آیا در بررسی تاریخی موقوفات شیعی دوره قطب‌شاهیان هند می‌توان به اسناد تاریخی

دست یافت؟

۲. آیا می‌توان ادعا کرد که دولت شیعی قطب‌شاهیان هند در ایجاد موقوفات شیعی نقش مهمی

ایفا کرده است؟

از آن جهت که منبع یا منابع ویژه موقوفات دولت شیعی قطب‌شاهیان در اسناد تاریخی مشاهده نشد، در کتابشناسی، باید به اسناد تاریخی در موضوع تاریخ اسلام و هند، و اسناد سلسله دولت‌های گورکانیان و دولت‌های شیعی - موجود در دکن مراجعه کرد.

به منظور استفاده هرچه بهتر پژوهشگران، در اینجا به معرفی اسناد خطی دو مرکز مهم در هند یعنی «جامعه همدرد، تغلق‌آباد، دهلی‌نو» و «دانشگاه اسلامی علیگر» پرداخته می‌شود. موضوع این اسناد، تاریخ اسلام در هند؛ تاریخ حاکمان دوره اسلامی این دیار مانند سلسله گورکانیان، قطب‌شاهیان، عادل‌شاهیان، نظام‌شاهیان؛ و دولت شیعی آوده است.

از سوی دیگر، باید اعتراف کرد، غربیان و مستشرقین در مطالعات تاریخی در زمینه تشیع و دولت‌های اسلامی و شیعی هندوستان، گوی سبقت را از پژوهشگران مسلمان ربوده‌اند. پرواضح است که گاه این پژوهش‌ها با کمبود آگاهی‌های اسلامی و شیعی پژوهشگر غربی همراه است که جای تأمل و مذاقه دارد.

در دوره اخیر، جان نورمن هالیستر (۱۳۷۲)، رساله دکتری خود را با عنوان «تشیع در هند» به دانشکده تبلیغی کندی در بنیاد آموزشی مذهبی هارتفورد آمریکا ارائه کرد. او در این رساله می‌نویسد: «مطالعه و تحقیق درباره شیعیان هند را به پیشنهاد موری. ت. بیتو - هنگامی که وی



سودمندترین تحقیق خود را در موضوع «اسلام در هند» به انجام می‌رساند بر عهده گرفتیم. او بر آن بود که توسعه تاریخی اسلام در هند، با کمک و همراهی دیگر عوامل صورت گرفته و گاه به وسیله آنان کنترل شده است... مجال برای اینکه انسان، نقش تشیع را در اسلام هندی جستجو کند، وجود دارد» (ص ۱).

کتاب هالیستر به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول مربوط به شیعه دوازده امامی و بخش دوم در مورد اسماعیلیه و شاخه‌های آن (نزاریه و مستعلیه) است. فصل اول و دوم، اصول کلی تشیع را مطرح کرده و فصل‌های سوم و چهارم، مذهب شیعه دوازده امامی را بررسی می‌کند. فصل پنجم و ششم درباره زندگی امامان شیعه می‌باشد. فصل هفتم تا دهم، چگونگی ظهور شیعه دوازده امامی را در هند تشریح می‌کند.

این فصل‌ها غالباً پیرامون تاریخ سیاسی سلسله بهمنی و پادشاهان بعدی، دوران مغول، سلاطین کشمیر، و پادشاهی اوده بحث می‌کند. بررسی روابط سیاسی حاکمان هند با پادشاهان ایرانی در کتاب هالیستر به تاریخ شیعیان دوازده امامی کشیده می‌شود. فصل یازدهم در زمینه محرم و مراسم جدید عزاداری در مناطق مختلف هند است. فصل یازدهم، با عنوان «جامعه کنونی شیعه» درباره شیعیان در نقاط مختلف هند و روابط شیعه و سنی است. این اثر، مبتنی بر منابع جدیدی است که به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

کتاب تشیع در هند جان نورمن هالیستر را آذرمیدخت مشایخ فریدنی به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب، به تاریخ شاخه‌های مختلف اسماعیلیه اختصاص دارد که مدت‌ها قبل از گسترش نفوذ شیعه دوازده امامی در هند به این سرزمین آمده‌اند و به طور فعال به تبلیغات سازمان‌یافته و گسترده‌ای دست زده‌اند. بیش از نیمی از کتاب به بررسی دو فرقه بوهره و خوجه می‌پردازد.

نویسنده، که به ظاهر سال‌ها در لکهنو می‌زیسته، از کتاب‌های ترجمه شده به زبان انگلیسی بسیار بهره برده است. از این رو، کتاب برای مخاطبان غربی، که آگاهی عمیقی از اسلام و تشیع ندارند، نوشته شده است. ایشان، گاه به مطالبی اشاره می‌کند که عواطف مذهبی شیعه و سنی، به‌ویژه شیعیان را جریحه‌دار کرده و گاه مطالب خلاف واقع را بیان می‌کند. مترجم این مطالب را از اصل متن انگلیسی، در ترجمه به فارسی حذف کرده است.

نویسنده، با توجه به اینکه به کتاب‌های دینی اسماعیلیه و کتاب‌های شخصی جماعت بوهره و خوجه دسترسی داشته است، اطلاعات خوبی را در این زمینه ارائه می‌دهد. این کتاب، بیشتر به فرقه‌های شیعه، به‌ویژه اسماعیلیه، و مانند آن می‌پردازد و هیچ بحثی در زمینه موقوفات شیعه ندارد.

فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه جامعه همدرد، تغلق آباد، دهلی، از سوی مرکز

تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو در سال ۱۳۷۷ ش. ۱۹۹۷ در پریس ورکس دهلی به چاپ رسیده است. بنیانگذار کتابخانه همدرد، حکیم عبدالحمید، از شخصیت‌های بسیار شناخته‌شده در هند است. کتابخانه جامع همدرد، در ۱۹۶۰ با مقداری از کتاب‌های پزشکی و طب دارویی متعلق به داروخانه همدرد تأسیس شد. آنگاه در ۱۹۷۷ کتابخانه مؤسسه علوم اسلامی هند به این بخش منتقل شد. در همان سال، مجموعه آثار دیگری از مراکز مختلف به این مجموعه افزوده شد.

در این کتابخانه، حدود ۴۴۳۵ نسخه خطی به زبان فارسی، عربی، و اردو وجود دارد. موضوع این نسخه‌های خطی عبارت است از: تفسیر، حدیث، اعتقادات، فلسفه و منطق، عرفان، ریاضیات، علوم غریبه، پزشکی، ادبیات، تاریخ، سفرنامه، بلاغت، جغرافیا، و هندوشناسی. در بررسی نسخه‌های خطی این کتابخانه بزرگ، در موضوع موقوفات شیعی و اسلامی هند، سندی یا کتابی یافت نشد.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های زنگی‌پور، اثر سید محمد حسین حکیم، نشر مجمع ذخایر اسلامی، قم در ۱۳۸۵ است. زنگی‌پوریکی از مراکز و شهرهای فرهنگی هندوستان بزرگ بوده است. نسخه‌های خطی این شهر، خود حکایت از فرهنگ غنی این منطقه دارد (حکیم، ۱۳۸۵).

همه این نسخه‌های خطی، مربوط به اندیشمندان و عالمان شیعی هند، به‌ویژه منطقه یادشده می‌باشد. موضوع این نسخه‌ها اخلاق، ادبیات، اصول، بلاغت، پزشکی، تاریخ، تفسیر و علوم قرآنی، رجال، ریاضیات، علوم طبیعی، کلام، و فلسفه است. در بررسی دقیق این نسخه‌های خطی، کتابی یا مجموعه استنادی در زمینه موقوفات شیعی هند مشاهده نشد.

کتاب فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع جوادیه (بنارس - هند) اثر سید جعفر حسینی اشکوری است. این کتاب از سوی مجمع ذخایر اسلامی قم در ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. نسخه‌های خطی جمع‌آوری شده در این کتاب شامل اخلاق، ادبیات، اعتقادات، بلاغت، پزشکی، تاریخ، حدیث، علوم قرآنی، رجال، سیره، طبیعیات، فقه، فلسفه، نجوم، و علوم غریبه است. در بررسی به عمل آمده در فهرست منابع این کتاب نیز معلوم شد، این فهرست نسخه‌های خطی، فاقد کتابی در موضوع موقوفات شیعی هند می‌باشد.

کتاب فهرست تألیفات شیعه در شبه قاره هند، اثر سید شهوار حسین نقوی، توسط انتشارات «دلیل ما» در ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است. در طول تاریخ، کتاب‌های فراوانی از سوی عالمان شیعه در شبه قاره تألیف شده است. بخشی از آن در حال حاضر موجود نیست، اما بسیاری دیگر در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد. در این مجموعه، تعداد کتاب‌های چاپی شبه قاره هند به ۱۲۵۰۰ کتاب اشاره شده که در موضوع‌های مختلف تقسیم‌بندی شده است.



عمده این کتاب‌ها به زبان اردو، فارسی، عربی و انگلیسی است. موضوع این کتاب‌ها را فقه، اصول، علوم قرآنی، عقاید، علوم غریبه، تاریخ، اخلاق، سفرنامه، فلسفه و منطق، طب، کشاورزی، صنعت، ادبیات، یادنامه‌ها، پاسخ مخالفان و شرح و توضیح متون تشکیل می‌دهد. در بررسی حدود دوازده هزار کتاب این مجموعه کتابی در موضوع موقوفات شیعه و یا اسنادی درین باب مشاهده نشد (نقوی، ۱۳۸۴).

کتاب فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ممتاز العلماء، لکهنو، هند اثر سید صادق حسینی اشکوری است. این کتاب از سوی مجمع ذخایر اسلامی قم در ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است. کتابخانه ممتاز العلماء مربوط به علامه سید محمد تقی بن سید حسین بن سید دلدار علی می‌باشد. این کتابخانه دارای ۲۰۰۰ نسخه خطی است. موضوع این نسخه‌ها عبارت است از: اخلاق، ادبیات، اصول، اعتقادات، پزشکی، تاریخ، علوم قرآنی، حدیث، رجال، سیره و فقه (اشکوری، ۱۳۸۵). در این کتابخانه، کتابی و یا سندی در موضوع موقوفات شیعی هند وجود ندارد.

کتاب دو جلدی شیعه در هند، توسط سید عباس اطهر رضوی به رشته تحریر در آمده است. جلد نخست آن، حاوی وقایع تاریخی از دوران حضرت رسول تا هنگام شهادت قاضی نورالله شوشتری - معروف به شهید ثالث هند - در جمادی الثانی ۱۰۳۱/ سپتامبر ۱۶۱۰ است (رضوی، ۱۳۷۶). جلد دوم آن، در مورد مبارزات شیعه برای بقا در هند، عالمان شیعه، کمک‌های عالمان شیعه به فلسفه، علم، ادبیات در هند، بیان فاجعه کربلا، و شیعه در تجددگرایی بحث می‌کند.

نویسنده تلاش کرده است، سیر تاریخی شکل‌گیری شیعه و حضور پیروان اهل بیت را در شبه قاره هند و سلسله حکومت‌های اسلامی و شیعی مانند سلسله گورکانیان و نیز سلسله حاکمان شیعی جنوب هند، مطالب خوبی ارائه کند. ایشان نیز موضوع موقوفات شیعی هندوستان را به صورت جداگانه بحث و بررسی نمی‌کند. اما مطالب اندکی می‌توان در این موضوع یافت.

ویلیام تئودر دباری، در کتاب منابع سنت هندی، در مورد اسلام در هند در قرون وسطی بحث می‌کند (دباری، ۱۹۵۹). اما به گونه‌ای تشیع را از اسلام در هند قرون وسطی، جدا می‌کند و می‌گوید: شیعیان در قرن‌های شانزدهم و هفدهم در دربار مغول صاحب نفوذ بوده‌اند و در بین پادشاهان و حاکمان اسلامی دکن در قرن‌های چهارده و پانزده ظهور کرده‌اند و طرفدارانی هم داشته‌اند؛ اما سهم شیعیان در تفکر اسلامی قرون وسطی و در مناقشات سیاسی و اجتماعی، تعیین‌کننده نبوده که در محاسبات گنجانیده شود (دباری، ۱۹۵۹، ص ۳۷۴).

در حقیقت، این کتاب، در مورد مسلمانان دوره سلطنت بحث می‌کند که دوران حساس و مهمی در تاریخ اسلامی هند است. اما نویسنده، به هر دلیل، از جمله کمبود اطلاعات اسلامی

و شیعی، گاه تحلیلی به دور از واقعیت‌های تاریخی بیان می‌کند. ایشان نیز از نقش تمدن‌سازی شیعیان هند به‌ویژه نقش موقوفات شیعی و دولت‌های دکن، چشم‌پوشی می‌کند. کتاب «آثار فارسی» نوشته سی.ام. استوری در دو جلد، یک کتابشناسی اجمالی و کلی در زمینه اسلام و تشیع در هند است که بهترین راهنما در زمینه منابع فارسی است؛ زیرا تا پایان قرن هجدهم متفکران شیعی در هند، غالباً مهاجران ایرانی بودند. از پایان قرن هجده بود که شیعیان تولد یافته در هند، غنی ساختن حیات فکری هند را آغاز کردند. در حقیقت، تاریخ حیات فکری شیعیان در هند، همان تاریخ مهاجران ایرانی است که آمیزه‌ای از بهترین آثار فکری هند را فراهم کرد. کتاب *کشف الحجب والاستار*، نوشته اعجاز حسین کنتوری، یکی از کتابشناسی‌های مهم شیعه است.

در موضوع وقف در هند، کتاب *خطی انشا مهر و*، تألیف عین‌الله ملتانی است. مؤلف در نامه شانزدهم کتاب، موقوفات شهر مولتان در پاکستان را شرح می‌دهد.

کتاب *تاریخ فرشته*، نوشته محمد قاسم هندو شاه متخلص به «فرشته» از دیگر منابع این موضوع است. این کتاب، درباره تاریخ شبه قاره هند است که در یک مقدمه و دوازده مقاله و یک خاتمه نگاشته شده است. مطالب آن درباره سلاطین لاهور، پادشاهان دهلی، دکن، گجرات، بنگال، مولتان، سند و کشمیر و مشایخ هندوستان و دودمان چشتیان و سهروردیان است. این کتاب، که برای تاریخ هند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در مورد تاریخ اسلام و تشیع و براندازی اسماعیلیان مطالب خوبی ارائه می‌کند که قابل استفاده است. این کتاب، عموماً به اقدام‌های سیاسی و نظامی مسلمانان بیشتر می‌پردازد و در زمینه موقوفات به ندرت می‌توان مطلبی را در آن یافت (فرشته، ۱۹۷۴).

تاریخ قطب شاهی، نوشته شیخ عبدالحکیم، در مورد تاریخ قطب‌شاهیان در جنوب هند بحث می‌کند. کتاب از یک مقدمه و چهار مقاله و یک خاتمه تشکیل شده است. مطالب آن عبارت است از: قرايوسف ترکمان و نیاکان او و نیز زندگی سلطان قلی قطب‌الملک، جمشید قطب‌الملک پسر او، سبجان قلی و ابراهیم قطب‌شاه، و محمد علی قطب‌شاه (بدری، ۱۳۰۶ ق.).

عبر تنامه، عالم آشوب، نوشته مولوی خیرالدین محمد الله آبادی (متوفی ۱۲۳۸ ق. / ۱۸۱۷) است. مؤلف، ابتدا در شهر جنپور کارمند انگلیسی‌ها بود. در ادامه، در لکهنو به دستگاه نواب سعادت علیخان در آمد و تاریخ جنپور را به‌رشته تحریر در آورد. این کتاب، در مورد تاریخ تیموریان، به‌ویژه پس از مرگ اورنگ زیب، از عالمگیر دوم و شاه عالم دوم در یک مقدمه و دو دفتر، در سه جلد در نیاکان شاه عالم و رویدادها از ابتدای پادشاهی شاه عالم تا بیست و پنجمین سال پادشاهی او نوشته شده است.

ذخیره الخوانین، تألیف شیخ فرید بهکری (۱۰۶۱ ق. / ۱۹۵۱ م.) و *تأثیر الامراء*، تألیف



صمصام الدوله شاه نواز خوان، حاوی زندگینامه رجال و اعیان مسلمان و هندو در فاصله سال‌های ۹۲۱-۱۲۰۱ ق. / ۱۵۰۰-۱۷۸۰ م. در دربار مغول بوده‌اند و بیانگر عقاید شیعی برخی از شخصیت‌های برجسته می‌باشند. (بکاری، ۱۹۶۱ م)

منتخب‌التواریخ، نوشته ملا عبدالقادر بدایونی (۹۶۲-۱۰۱۵ ق. / ۱۵۴۱-۱۵۹۴ م). درباره تاریخ شبه قاره هند، از غزنویان، تا چهلمین سال پادشاهی اکبر شاه، در چهار طبقه از سبک‌نگین تا خسرو ملک، از شهاب‌الدین غوری تا ابراهیم لودی، از بابر تا همایون اکبر شاه است (بدایونی، ۱۸۹۶).

حدیقه عالم، نوشته ابوتراب، پسر سید احمد، اثری به زبان فارسی است. این کتاب در مورد پادشاهان و امیران آصفیه دکن در یک مقدمه و پنج باب به رشته تحریر درآمده است (میر عالم، ۱۸۰۳).

چند نکته کوتاه در زمینه منابع این موضوع، لازم به یادآوری است:
عمده مطالعات و تحقیقات انجام شده در موضوع تشیع در هند، مربوط به مستشرقین و غربیان است.

تاریخ‌نگاران معاصری که درباره دوره حاکمیت مغول در هند نوشته‌اند، به ندرت به موضوع تشیع در هند اشاره می‌کنند.

تاریخ‌نگاران مذاهب و تصوف، برای موجه جلوه دادن چهره اصلاح‌طلبان اهل سنت، گاه واقعیات مربوط به تشیع را بدجلوه می‌دهند.

کتاب تحفه اثنی عشریه، به زبان فارسی، تألیف شاه عبدالعزیز، موجب کثرت نوشته‌های تدافعی شیعه به زبان فارسی و بعدها به زبان اردو شد. کتاب‌هایی که شیعه و سنی در رد یکدیگر نوشته‌اند، بسیار فراوان است و متأسفانه این مباحث سبب شد، تا هر دو از مباحث مهم تاریخی اجتماعی غافل شوند (شاه عبدالعزیز، ۱۸۷۸).

در زمینه پژوهش در موضوع نقش دولت‌های شیعی هندوستان، در گسترش موقوفات، اسناد یا مجموعه اسنادی یافت نشد، به ناچار باید به منابعی مراجعه کرد که در زمینه اسلام در هندوستان و دوران حاکمیت مسلمانان در این دیار، به ویژه در دوران سلطنت گورکانیان، به رشته تحریر درآمده است، که ممکن است صفحاتی در موضوع یاد شده بحث نماید.

مؤسس دولت شیعی قطب شاهیان:

مؤسس این سلسله، سلطان قلی قطب‌شاه، در اسدآباد همدان چشم به جهان گشود و در همین شهر بزرگ شد. او از قبایل ترکمن شیعه بود که به آن‌ها قراقیونلو- صاحبان گوسفند سیاه- می‌گفتند.

جنگ‌ها و نزاع‌های پی‌درپی دو قبیله بزرگ قراقویونلو و آق‌قویونلو، او را وا داشت تا به سرزمینی دور از این جنگ‌ها برود. با مشورت عمویش، الله‌قلیف و به همراه او در سال ۸۹۱ ق. / ۱۴۷۰ م. عازم ایالت دکن در جنوب هندوستان گردید. خود درباره این مهاجرت می‌گوید: «خواستیم به دکن عزیمت نمایم. چندین اسب عالی و هدایای دیگر برای پادشاه بهمنی با خود بردم. قبل از این اقدام، برای اذن سفر، به یزد رفتم و خدمت عموی پدرم، شاه‌نورالدین رسیدم. زیرا شاه‌نورالدین، علاوه بر اینکه خویشاوند من بود، مرشدم نیز بود. در هنگام سفر به من فرمود، روزگاری در خاک هندوستان به پادشاهی خواهی رسید» (فرشته، ۱۹۷۴، ص ۳۴۱؛ رضوی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵).

هدف از مسافرت سلطان‌قلی به دکن این بود تا از حمایت بهمنیان - که عموماً هوادار اهل بیت بوده‌اند - برخوردار شود. ایشان، قبلاً در سفرهای تجاری که به هند کرده بود، با بهمنیان آشنایی داشت. از آن جمله یکبار در کودکی به همراه عمویش الله‌قلی در یک سفر تجاری در سال ۸۸۵ ق. / ۱۴۶۴ م. به هند مسافرت کرده بود (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۲؛ خان‌زمان‌خان، ۱۸۴۴، ص ۸). از سوی دیگر، بهمنیان به غلامان ترک علاقه داشتند. از این رو، از آنان در امور کشوری و لشکری استفاده می‌کردند. آنان، از مسیر دریای عمان و اقیانوس هند، عازم هندوستان شدند و در اواخر دوران حکومت محمدشاه سوم بهمنی (۸۷۶-۸۹۵ ق. / ۱۴۴۵-۱۴۷۴ م.) به بیدر، پایتخت حکومت بهمنیان در دکن وارد شدند (فرشته، ۱۹۷۴، ص ۳۴۱؛ رضوی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۵).

سلطان‌قلی، پس از ورود به دربار محمدشاه سوم بهمنی در هند، به همراه عمویش الله‌قلی، هدایایی که با خود آورده بود، تقدیم سلطان کرد. از آن جهت که سلطان‌قلی به حساب و خوشنویسی، در ایران، مسلط و در انجام امور امانت‌دار بود، بسیار سریع مراحل پیشرفت را طی کرد. نزد درباریان، اعتبار و منزلت فراوانی یافت و مسیر ترقی را یکی پس از دیگری در دولت بهمنی طی کرد (خان‌زمان‌خان، ۱۸۴۴، ص ۸).

سلطان‌قلی، در سال ۹۰۹ ق. / ۱۴۸۷ م. به پاس سرکوبی توطئه‌ای که علیه سلطان محمود بهمنی (۸۹۵-۹۳۲ ق. / ۱۴۷۴-۱۵۱۱ م.) طرح‌ریزی شده بود، به حکومت منطقه تلنگانه منصوب گردید (فرشته، ۱۹۷۴، ص ۱۶۷؛ میرعالم، ۱۸۰۳، ص ۱۰).

کم‌کم، حاکمیت محمود بهمنی ضعیف شد. پایه‌های اولیه حاکمیت قطب‌شاهی، در زمانی که محمودشاه بهمنی، آخرین پادشاه این سلسله فوت کرد، گذاشته شد. پس از مرگ او، قلمرو سلطنت بهمنیان، به پنج منطقه خودمختار حکومتی تقسیم گردید: حکومت عادل‌شاهی در بیجاپور، نظام‌شاهی در احمدنگر، عمادشاهی در برار، بریدشاهی در بیدر، و قطب‌شاهی در گلکنده که قلمرو آن از شمال تا رودخانه گوداوری، از جنوب تا رودخانه کرشنا، از شرق تا



اُریسا و نواحی ساحلی دریا امتداد داشت. سیر نزولی قدرت بهمنیان، زمینه استقلال حاکمان تابع در ایالت‌ها را فراهم کرد. سلطان‌قلی نیز مانند دیگر حکومت‌های تابع - نظام شاهیان و عادل شاهیان - چند سال پس از آنان، در سال ۹۲۶ ق. / ۱۵۰۵ م. در گلکنده اعلام استقلال کرد و خود را قُطب‌شاه نامید.

اعلام رسمیت مذهب تشیع در قلمرو قطب شاهیان

سلطان‌قلی، پس از اعلام استقلال، مذهب شیعه امامیه را مذهب رسمی قلمرو خود قرار داد و دستور صادر کرد، تا در تمام منطقه حکومت او، نام دوازده امام در خطبه‌ها خوانده شود. سلطان‌قلی در اواخر عمر می‌گوید: «شصت سال می‌گذرد. تا این زمان، هفتاد قلعه را گشودم. در این مدت با رسول خدا و وصی او علی علیه‌السلام عهد بستم، اگر از موهبت استقلال بهره‌مند شدم، پرچم مذهب اثناعشری را در سایر سرزمین‌ها به اهتزاز در بیاورم. خیال نشود، رسمیت بخشیدن به مذهب اهل بیت، به پیروی از شاه اسماعیل ایران بوده است. بلکه من بر مذهب اثناعشری هستم و در آستانه صدسالگی قرار دارم و بیشتر عمر خود را در اشاعه این حق گذرانده‌ام. می‌خواهم از دنیا دست بردارم و چند روز آخر عمر خود را به عبادت بگذرانم (فرشته، ۱۹۷۴، ج ۳، ص ۳۵۱؛ رضوی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۶).

گرچه در تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه، آمده است که سلطان‌قلی، پیش از آنکه، شاه اسماعیل شیعه را در ایران مذهب رسمی اعلام کند، وی مذهب تشیع را در قلمرو خود رسمیت بخشیده است (ناشناس، بی‌تا، ص ۳۵). به تصریح دیگر منابع تاریخی، شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ ق. پس از آنکه به حکومت رسید، مذهب شیعه را در ایران رسمی اعلام کرد. قطب‌شاه در سال ۹۲۶ ق. / ۱۵۰۵ مذهب شیعه را، مذهب رسمی قلمرو خود قرار داد. سلطان‌قلی دستور داد در منبرها و بر روی سکه‌ها، نام و القاب ائمه شیعه ذکر شود. مؤذن‌ها نیز عبارت «حی علی خیر العمل» را در اذان وارد کنند (فرشته، ۱۹۷۴، ص ۱۶۹).

لازم به یادآوری است، حکومت نظام شاهیان و پس از آن عادل شاهیان، اعتقاد خود را به مذهب شیعه ابراز کرده بودند (هاشم خان، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۳۷؛ فرشته، ۱۹۷۴، ج ۲، ص ۱۶۸).

پس از آنکه قطب‌الملک، مذهب شیعه را در قلمرو حکومت خود، به عنوان مذهب رسمی اعلام کرد، در ادامه، نام شاه اسماعیل صفوی را نیز، در خطبه بر نام خود، مقدم کرد (میرعالم، ۱۸۰۳ م، ص ۲؛ هاشم خان، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۳۷۰). هدف او از این اقدام، هم ابراز ارادت خود به ایران و خاندان صفوی بود و هم اینکه در مقابل گورکانیان اهل سنت، از حمایت دولت شیعی برخوردار شود.

سلطان‌قلی قطب‌شاه، علاقه ویژه‌ای به احداث ساختمان‌ها داشت و پایتخت خود را با بنای مساجد، قصرها، و باغ تزئین کرد. از آن جمله می‌توان به بنای مسجد جامع گلکنده و چند عمارت دیگر اشاره کرد. ایشان مبتکر سبک معماری قطب‌شاهی به شمار می‌آید و شیوه معماری ساختمان‌ها و مساجدی که در آن دوره ساخته شده، آمیزه‌ای از سبک معماری ایرانی و هندی است. سلطان‌قلی قطب‌شاه در ۹۵۰ ق. / ۱۵۴۳، در سن ۹۰ سالگی در حال رکوع در مسجد دارفانی را وداع گفت.

در چگونگی مرگ او اختلاف است. برخی معتقدند، وی در مسجد جامعی که به دست خود آن را احداث کرده بود، در حال نماز عصر با توطئه فرزندش ابراهیم قطب‌شاه و یا «یار قلی جمشیدخان» توسط شخصی به نام میرمحمد قلعه‌دار به قتل رسید. برخی معتقدند، با مرگ طبیعی در گذشته است (قادرخان، ۱۳۰۶ ق.، ص ۶۷).

قبر وی، که از سبک معماری ممتازی برخوردار است، هفت سنگ سیاه به صورت پایه ستون، آرایش یافته است. بر روی برخی از آن سنگ‌ها، آیات قرآن و شهادتین و اقرار به تشیع و آیه‌الکرسی نوشته شده است (مشاهده حضوری پژوهشگر در شهر حیدرآباد هندوستان). کتیبه‌های مساجد و دیگر بناهای تاریخی که توسط قطب‌شاه تأسیس شده بود، همه جلوه شیعی دارد.

شعار «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» که یک شعار شیعی است بر روی کتیبه‌ای در مسجد جامع نزدیک بالاحصار، که دروازه ورودی قلعه نظامی گلکنده بود، در تاریخ ۹۲۷ ق. / ۱۵۲۰ به خط عبدالکریم نوشته شده است (مشاهده حضوری پژوهشگر در شهر حیدرآباد هندوستان).

گفته می‌شود، قطب‌شاه، پیشاپیش، مقبره خود را ساخته بود. روی کتیبه‌ای که از سنگ سیاه براق بر مقبره او نصب شده، این دعا حک گردیده است:

«خدایا سلام و درود بفرست بر محمد برگزیده‌ات و علی مرتضی، فاطمه‌زهرا و دو فرزندش امام حسن و امام حسین، زین‌العباد علی، امام محمدباقر، امام جعفرصادق، امام کاظم، امام علی بن موسی الرضا، امام محمدتقی، امام علی‌التقی، امام حسن عسکری و برحمت قائم فرزندشایسته، امام برحق، منتظر، مظفر، محمد مهدی صاحب‌العصر، خلیفه خدا، مبین دین، امام جن و انس «سلام الله علیهم» به تاریخ ۹۵۰ قمری» (مشاهده حضوری پژوهشگر در شهر حیدرآباد هندوستان).

شایان ذکر است، در دوران حکومت قطب‌شاهی، بسیاری از عالمان برجسته شیعی ایرانی به گلکنده مهاجرت کردند.



موقوفات و آثار تاریخی دوران قطب شاهیان

به جهت ارادت دولت های قطب شاهی به امام علی علیه السلام، شهر حیدرآباد که در زمان آنان بنیان گردید، «حیدرآباد» نامیده شد.

در دوران دولت های قطب شاهی، مراکز گوناگون و بناهای مذهبی فراوانی ساخته شد که در آن، از هنرمندان ایرانی مانند میرمؤمن استرآبادی بهره برد و منطقه دکن در دوران این دولت شیعی، دگرگون شد. در زیر برخی آثار تاریخی برجای مانده از آن دوران و موقوفات قطب شاهیان به اجمال اشاره می شود.

قلعه گلکنده

این قلعه، که در ده کیلومتری حیدرآباد واقع است، در ۹۱۸ ق. / ۱۴۹۷ م. پایتخت سلسله قطب شاهیان بود. درون این قلعه، امارت های بلند و محکم و یک مسجد تاریخی وجود دارد که از مشهورترین آثار اسلامی به شمار می رود.

قلعه، دارای کتیبه های فارسی روی دیوارها و مقبره بسیاری از سلاطین قطب شاهی است که معروف ترین آن ها، مقبره محمدقلی قطب شاه، مؤسس شهر حیدرآباد است (مشاهده حضوری پژوهشگر در شهر حیدرآباد هندوستان).

این قلعه، بناها، برج ها، استحکامات زیبا، و هشت دروازه دارد. بقایای این قلعه، هنوز هم بر فراز تپه ای واقع در منطقه گلکنده، در جنوب غربی حیدرآباد، مهم ترین مرکز توریستی شهر، به شمار می رود. این قلعه، با اصول مهندسی برگرفته از سبک معماری ایران و هند احداث شده و جایگاه های حفاظتی و دیده بانی در بالای دیوارهای بلند این قلعه وجود دارد. قلعه، دارای چند دروازه اصلی و راه های ورودی و خروجی مخفی متعددی است که هر چند تخریب شده، هنوز جذابیت های خود را برای گردشگران از دست نداده است.

شخصیت مطرح شیعه دولت، ابراهیم قطب شاه، مصطفی خان اردستانی، وزیر ابراهیم بود. مصطفی خان، در آخرین روزهای عمر جمشید، به طور مؤثری دولت را کنترل کرد. وقتی جمشید درگذشت، از ابراهیم دعوت کرد تا به گلکنده باز گردد (قادرخان، ۱۳۰۶ ق. ص ۱۳۸).

یکی از شخصیت های ایرانی این دوره که خدمات ارزنده ای به جنوب هند کرد، مصطفی خان است که باروها و دروازه های گلکنده - که محیط دایره ای شکل هشت هزار یاردی را تشکیل می دهد - با نظارت او تکمیل شد.

ساختمان دروازه شگفت انگیز آن که «دروازه مکه» نامیده می شود در ۹۶۷ ق. / ۱۵۵۹ م. پایان یافت. در این محل، کتیبه ای وجود دارد به طول ۳۰ متر و عرض ۱۴ متر. در این کتیبه

آمده است: «به نام خدا که کلمه توحید را دژ شکست‌ناپذیر ساخت. دروازه‌های این دژ، از طریق رحمتش بر ما گشوده شده است. هر کس داخل آن شود نجات می‌یابد. صلوات بر مصطفی که دژها و استحکامات نبوت به شخص او کامل شد. او شهر علم است و علی دروازه آن. درود بر اولاد او، که برج‌های امامت و ولایت بدست آن‌ها سر بر افراشته است و درود بر اصحابش که نگهبانان راستی و حقیقت‌اند. سال ۹۶۷ق/ ۱۵۵۹م. نوشته محمد اصفهانی» (مشاهده حضوری پژوهشگر در شهر حیدرآباد).

حسینیة حضرت زهرا

این حسینیة در زمان عثمان علی خان، حاکم هفتم حیدرآباد در ۹۵۰ق/ ۱۵۲۹ ساخته شد. وی، این حسینیة را به نام مادرش وقف شیعیان کرد. از آن تاریخ به بعد، همه ساله در ماه‌های محرم، در این حسینیة، روضه‌خوانی می‌شود و تولیت آن، با خاندان و نوادگان عثمان علی خان است. عمارت، از جمله آثار تاریخی و اسلامی حیدرآباد محسوب می‌شود.

کوه مولاعلی

این کوه، در ۳۰ کیلومتری حیدرآباد واقع است و توسط ابراهیم قلی قطب‌شاه ساخته شد. چند امارت به نام بارگاه حضرت علی، حضرت ابوالفضل العباس، مقام حضرت محمد، فاطمه زهرا، و باغ حضرت زهرا در آن کوه قرار دارد و مسلمانان، به‌ویژه شیعیان هر هفته برای زیارت به آن کوه می‌روند.

این کوه، در بین مؤمنین منطقه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. موقعیت جغرافیایی کوه نیز اهمیت بسزایی دارد (مشاهده حضوری پژوهشگر در حیدرآباد). متولی موقوفه حضرت ابوالفضل، میرفیاض محمدعلیخان و نیز موقوفه حضرت فاطمه زهرا هر دو ایرانی الاصل است.

سه رشته کوه مقدس دیگر: کوه قدم حضرت رسول، امام رضا، و امام زمان، در حیدرآباد

از این سه رشته کوه، کوه امام ضامن، وقف امام رضا می‌باشد که زمینه‌ای بسیار وسیع موقوفه اطراف آن را گرفته است.

موقوفات دیگری نیز به نام امام رضا در حیدرآباد وجود دارد. به‌همین منظور، شیعیان حیدرآباد، سالهاست که طی شکایتی خواستار رسیدگی به موقوفات بزرگ کوه امام ضامن شده‌اند که در حال حاضر در دست دولت است. این کوه و آثار آن نیز از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است و برای شیعیان منطقه، بسیار مهم می‌باشد (مشاهده حضوری پژوهشگر در حیدرآباد).



مکه مسجد

این مسجد، در ۱۰۲۷ ق. ۱۶۰۶ به دستور سلطان محمد قطب شاه ساخته شد. سلطان محمد، این مسجد را «بیت العتیق» نامید. هنگامی که حیدرآباد به دست اورنگ زیب سقوط کرد، وی نام آن را به «مکه مسجد» تغییر داد.

معروف است، برای قرار دادن سنگ بنای این مسجد، سلطان محمد دستور داد، هر کس تاکنون نماز یومیه اش قضا نشده است، حاضر شود. تنها دو نفر حضور پیدا کردند و قسم شرعی یاد کردند که هیچیک از نمازهای آنان قضا نشده است. سپس، خود سلطان محمد قسم یاد کرد که نه تنها از سن ۱۲ سالگی نماز واجبش قضا نشده، بلکه نمازهای تهجد وی نیز ترک نگردیده است. از این رو، سلطان به اتفاق آن دو نفر، سنگ بنای مسجد را نهاد و کار ساختمان آن آغاز شد (قادرخان، بدون تاریخ، ص ۱۵۷). مکه مسجد در مرکز شهر واقع است و ۷۵۰۰ متر مربع مساحت دارد.

ساختمان مسجد، از جهت معماری و جلوه های هنری بسیار برجسته است. مسجد، در بین مسلمانان و مؤمنان اهمیت خاصی دارد. مکه مسجد، یکی از معروف ترین مساجد شهر حیدرآباد است که در جنوب غربی چهارمنار واقع شده است. در ابتدای در ورودی آن حوض بزرگی قرار دارد. نمای بیرونی مسجد، پنج قوس محرابی شکل و نمای داخلی آن پانزده قوس محرابی دارد. مسجد یک ساعت آفتابی دارد.

کار احداث بنای مکه مسجد، با نظارت میر فیض الله بیگ داروغه و هنرمندخان چودری آغاز شد. پس از درگذشت سلطان محمد قطب شاه، در دوره سلطان عبدالله قطب شاه، کار احداث و تکمیل بنا ادامه یافت. پیشگویان ستاره شناس پیش بینی کرده بودند، با اتمام بنای مکه مسجد، سلطنت قطب شاهی نیز به پایان خواهد رسید. به همین جهت، عبدالله قطب شاه در تسریع تکمیل بنا تمایل چندانی از خود نشان نمی داد.

پس از عبدالله قطب شاه و در دوره ابوالحسن تاناشاه، کاربنای مسجد به اتمام رسید و پیشگویی آن منجم به وقوع پیوست. تنها ساختن دروازه بیرونی و منار دروازه باقی مانده بود که آن هم پس از فتح گلکنده، توسط اورنگ زیب، کامل شد.

مسجد، جزء آثار باستانی حیدرآباد به حساب می آید. هم اکنون این مسجد در اختیار اهل سنت قرار دارد که ارتباط نزدیکی با پیروان اهل بیت دارند.

دارالشفاء

این بیمارستان، در سال ۱۰۰۴ ق. ۱۵۸۳، به دستور محمدقلی قطب شاه ساخته شد (قادرخان، بدون تاریخ، ص ۱۳۷). در داخل بیمارستان یک مسجد و یک حسینیه وجود دارد که بسیار



دیدنی است. هم‌اکنون نیز این بیمارستان دایر است. دارالشفا، در بین مردم حیدرآباد، چه هندو و چه مسلمان، مورد توجه است (مشاهده حضوری نویسنده در حیدرآباد).

غسالخانه و حمام

قطب‌شاه، به پیروی از رسم شیعه، یک غسالخانه برای اموات خانواده سلطنتی ایجاد کرد. این غسالخانه، نمونه زیبای حمام‌های ترکی-ایرانی است که شامل تعدادی خزینه‌های آب سرد و گرم با لوله‌هایی می‌شد که از شفته و ساروج برای انتقال آب ساخته شده بود. مشابه این غسالخانه، غسالخانه دیگری داخل دروازه بالا حصار ساخته شد.

از نکات قابل توجه این حمام‌ها، سکوی گرد دایره شکلی است که وسط هر دو حمام قرار دارد. در هر سکو از وسط دایره به طرف بیرون، دوازده خط دایره‌ای و موج مانند، به شکل منبت‌کاری شده است که هر کدام یادآور یکی از دوازده امام است (محمی الدین، ۱۹۶۲).

هفت گنبدان قطب‌شاهی

هفت گنبدان قطب‌شاهی، مجموعه‌ای از ۹۲ بنای تاریخی، شامل مساجد، مقابر، حمام، و دیگر ابنیه تاریخی است که مقابر پادشاهان سلسله قطب‌شاهی در آن قرار دارد؛ از جمله این مقابر، مقبره محمدقلی قطب‌شاه، سلطان‌قلی، جمشیدقلی، ابراهیم‌قلی، و عبدالله قطب‌شاه است.

این مجموعه، که در نزدیکی قلعه گلکنده قرار دارد و یکی از مجموعه‌های بی‌نظیر تاریخی است، در صورت مرمت و بازسازی، می‌تواند با بناهای تاریخی مهم هند و جهان، از جهت عظمت و شکوه برابری کند. اما طی سال‌های متمادی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته و در حال حاضر از وضعیت مناسبی برخوردار نیست.

پادشاهی‌عاشورخانه

در زمان سلطان ابراهیم قطب‌شاه، سنت برگزاری مراسم اربعین حضرت امیر و عاشورا مرسوم شد. در این زمان، عاشورخانه‌های متعددی تأسیس شد که در آن‌ها، مردم در ایام محرم عزاداری می‌کردند. یکی از عاشورخانه‌های مهم که در بخش قدیمی شهر حیدرآباد می‌باشد، عاشورخانه پادشاهی است (قادرخان، ۱۳۰۶ق، ص ۲۵؛ رضوی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۸۴).

زمانی که سلطان محمدقلی قطب‌شاه می‌خواست شهر حیدرآباد را بنا کند، مسئولیت طراحی ساخت این شهر را به میرمحمد مؤمن سپرد. او نیز در طراحی این شهر به بناهای مذهبی، به‌ویژه بناهای مربوط به مذهب شیعه توجه ویژه کرد. یکی از این عمارت‌های مهم مذهبی، که بنای آن در سال ۱۰۰۹ق. ۱۵۸۷ آغاز شد، عاشورخانه بود (قادرخان، ۱۳۰۶ق. ص ۲۵).



لازم به یادآوری است آنچه پژوهشگر به صورت حضوری مشاهده کرده و شنیده است، تنها در شهر حیدرآباد ۱۱۰۰۰ عاشورخانه وجود داشته که ۵۰۰۰ آن در دست شیعیان و ۶۰۰۰ آن در اختیار اهل سنت بوده است و در حال حاضر، تحت نظارت وقف مورد ایالت آندراپرادش می باشد.

دادمحل

یکی دیگر از بناهای وقفی مذهبی شیعی، در دوران محمدقلی و با نظارت میرمحمد مؤمن، احداث شد، بنای «دادمحل» است. از این بنا، برای مراسم ویژه اهل بیت، از جمله مراسم مخصوص ایام ولادت و یا شهادت، استفاده می شد. این محل شامل هفت طبقه می گردید که طبقه هفتم آن را «الهی محل» می گفتند و بقیه طبقات به ترتیب به نام پیامبر اکرم و اهل بیت نامگذاری شده بود (ناشناس، بدون تاریخ، مقاله چهارم، ص ۲۸).

دایره

یکی از معروف ترین بناهای دینی وقفی که میرمؤمن به دستور قطب شاهیان در حیدرآباد بنا کرد، قبرستانی بود که به «دایره» معروف است. میرمؤمن، مقداری از خاک کربلا را برای تبرک، با خاک این قبرستان مخلوط کرد. تا سال ۱۱۶۰ ق. حدود ۱۷۳۹، حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر از سادات و عارفان برجسته آن زمان در این قبرستان، دفن شده بودند (رضوی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۷۸). این قبرستان هنوز هم به عنوان قبرستانی شیعی مورد استفاده قرار می گیرد.

نتیجه گیری و تحلیل

۱. در بررسی منابع تاریخی در همد، حتی یک سند یا کتاب مستقل در زمینه اسناد تاریخی موقوفات شیعی یافت نشد. این در حالی است که مسیحیان، که حدود یک درصد جمعیت همد را تشکیل می دهند، برای ثبت و ضبط کلیساهای برجای مانده از گذشته، کتابها نوشته اند. از آن جمله می توان به کتاب «اسناد کلیساهای آگرا» اشاره کرد. در این کتاب، مجموعه اسناد، وکالت نامه ها، قباله جات، موقعیت کلیساهای شهر آگرا، و حدود و ثغور این کلیساهای ثبت شده است.

۲. دولت قطب شاهیان از دو ویژگی ممتاز برخوردار بودند:

الف. ثروت فراوان: گفته می شود در این زمان، سکه طلا ضرب می شد. حیدرآباد مرکز تجارت الماس در دنیا بود. از جهت کثرت صنایع مانند پولاد، مواد اولیه شمشیر و نیزه، و ابزار نظامی، مشهور بود. صنایع دستی مانند فرش و پارچه های چیت نیز فراوان بود.

ب. در سراسر حکومت قطب‌شاهیان، مذهب رسمی، شیعه بود. از این رو، روابط نزدیکی با دولت صفویه داشتند.

۳. ثروت فراوان دولت قطب‌شاهی به قدری زیاد بود که در بین پنج دولت دکن، تنها قطب‌شاهیان، سکه طلا می‌زدند. دولت قطب‌شاهی به کثرت صنایع شهرت داشت و در زمان آنان، حیدرآباد، مرکز تجارت الماس بود. عده زیادی از بازرگانان خارجی در آنجا جمع شده و به تجارت می‌پرداختند. پرواضح است فرمانروایانی چنین ثروتمند، بناهای شیعی وقفی پایداری از خود باقی گذاشته‌اند. فهرست این بناها، بسیار مفصل است و برجسته‌ترین آن، چهارمنار، عاشورخانه، کاخ و باغ‌های الهی محل، مسجد جامع، و چند مدرسه و بیمارستان است. میر مؤمن در زمان حکومت عبدالله، زمین وقفی وسیعی را وقف قبرستان شیعیان کرد.

۴. پادشاهان قطب‌شاهی، از ایران به جنوب هند مهاجرت کرده و در اصل، ترک‌نژاد بودند. از این رو، میراثی آمیخته با نژاد ترکی-ایرانی از خود به جای نهادند. این پادشاهان، سنت‌های محلی و تمدنی سرزمین تلنگانه را، اختیار کردند. از این رو، تمدن رنگارنگی در آن نواحی، جلوه‌گر شد. آنان مظهر انسجام هندو و مسلمان بودند.

۵. سلاطین قطب‌شاهی، آزاداندیش و دارای وسعت نظر بودند. به زیردستان خود عنایت ویژه‌ای داشتند و پادشاهانی رعیت‌پرور بودند. از این رو، عالمان، دانشوران، ادیبان، و شاعران در این دولت، منزلت خاصی داشتند. مانند میر مؤمن استرآبادی، روح‌الامین میرجمله، محمد امین شهرستانی، سید نظام‌الدین، و مصطفی خان اردستانی.

۶. مذهب رسمی قطب‌شاهیان شیعه بود، اما به جهت تساهل و تسامحی که حاکمان قطب‌شاهی داشتند، پیروان دیگر ادیان و مذاهب مانند هندوها و اهل سنت، در قلمرو آنان در امنیت و آسایش زندگی می‌کردند؛ به حدی که حتی می‌توانستند به مناصب بالای حکومتی دست یابند.

۷. یکی از آثار و برکات قطب‌شاهیان در گلکنده و حیدرآباد این است که هم اکنون بزرگ‌ترین اقلیت شیعیان در خارج از مرزهای ایران، در هند است و شهر حیدرآباد، که زمانی پایتخت حکومت قطب‌شاهیان بود، جمعیت شیعه زیادی را در خود جای داده است.

۸. حضور و حاکمیت تقریباً دو‌یست ساله شیعیان در جنوب هند و مهاجرت بزرگان ایرانی به این دیار، به‌ویژه در دوران صفویه، و انتصاب بسیاری از مهاجران ایرانی به مناصب مهم حکومتی، باعث شده دامنه موضوع موقوفات شیعی در جنوب بسیار وسیع و گسترده شود.

۹. روابط حاکمان شیعی نظام‌شاهی، قطب‌شاهی، و عادل‌شاهی با حاکمان ایران، به‌ویژه سلسله صفوی، بسیار نزدیک و در اوج احترام و ادب بوده باشد. در بسیاری از کتیبه‌های برجای‌مانده از آن دوران، شعارهای شیعی و مطالبی به زبان فارسی به چشم می‌خورد. برای



مثال، می توان از کتیبه مسجدی نزدیک دوازده قلعه گلکنده نام برد که بر روی آن شعار «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» نوشته شده است و بر روی سنگ قبر سلطان قلی، که خود دستور ساخت آن را داده است، بر چهارده معصوم درود و صلوات فرستاده است.

منابع

- بدایونی، عبدالقادر (۱۸۹۶م). *منتخب التواریخ* (ج۳). کلکته: بی نا.
- بدری، قادر خان (۱۳۷۳ش). *تاریخ قطب شاهی*. حیدرآباد: موزه سالار جنگ.
- بکاری، شیخ فرید (۱۹۶۱م). *ذخیره الخوانین*. لاهور: بی نا.
- بلگرامی، سید علی (۱۸۹۷م). *تاریخ دکن، سلسله آصفیه*. آگرایی: بی نا.
- حسینی اشکوری، سید جعفر (۱۳۸۶ش). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه جامعه جوادی بنارس*. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- حسینی اشکوری، سید صادق (۱۳۸۵ش/۲۰۰۷م). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه ممتاز العلماء، لکهنو*. هند: قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- حکیم، سید محمد حسین (۱۳۸۵ش/۲۰۰۷م). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه های زندگی پور هند*. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- رضوی، سید اطهر عباس (۱۳۷۶ش). *شیعه در هند* (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، مترجم). قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- شاه عبدالعزیز (۱۲۹۵ ق/ ۱۸۷۸م). *تحفه اثنی عشریه* (نسخه خطی). لکهنو.
- فرشته، محمد قاسم، هندوشاه (۱۹۷۴م). *گلشن ابراهیمی یا تاریخ فرشته*. لکهنو: بی نا.
- قادرخان، بدری (بدون تاریخ). *تاریخ قطب شاهی*. حیدرآباد: موزه سالار جنگ.
- مرکز تحقیقات راینزی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (دهلی نو ۱۳۷۷ش/ ۱۹۹۹م) *فهرست نسخه های خطی فارسی*. هند: کتابخانه جامعه همدرد، تغلق آباد، دهلی نو و چاپخانه پریس ورکس. منشی قادرخان به (۱۳۰۶ق). *تاریخ قطب شاهی* (سید برهان الدین احمد، کوششگر). حیدرآباد: چاپ سنگی میر عالم، ابوالقاسم بن رضی الدین به اهتمام سید عبداللطیف شیرازی (۱۸۰۳م). *حدیقه العالم*. حیدرآباد: بی نا.
- ناشناس (بدون تاریخ). *تاریخ سلطان محمد قطب شاه*، مقاله اول
- نقوی، سید شهوار حسین (۱۳۸۴ش). *فهرست تألیفات شیعه در شبه قاره هند - معرفی ۱۲۵۰۰ کتاب*. تهران: انتشارات دلیل ما.
- ویلیام. ت. دباری (۱۹۵۹م). *منابع سنت هندی*. کلمبیا: بی نا.
- هاشم خان، محمد (۱۹۸۷م). *منتخب اللباب در احوال سلاطین ممالک دکن* (ج). حیدرآباد: بی نا.
- هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۲). *تشیع در هند* (آذرمدخت مشایخ فریدونی، مترجم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- Husa, s. A Rashid s. K. *Wagf Luas and Adminis Tration in India*, p14, B